

آداب مهمانی و میزبانی در سیره و تعالیم رضوی

رضا وطن‌دوست*

چکیده

شناخت منطق نظری و عملی امام رضا^(ع) نه تنها ما را با شخصیت کم‌نظیر آن امام همام آشنا می‌سازد، بلکه در عرصه زندگی فردی و اجتماعی ما کاربرد عملی می‌یابد که ضرورتی بایسته است. یکی از عرصه‌های قابل توجه در زندگی اجتماعی ما، موضوع مهمانی و میزبانی است، از این رو باید با سیره و رهنمودهای آن حضرت در این عرصه آشنا شد تا بتوان زندگی خود را با زندگی آن حضرت تطبیق داد. این مقاله که در پاسخ به فراخوان «همایش علمی، پژوهشی جاده ولایت» سامان یافته، بر آن است تا با هدف بهره‌گیری از سیره و تعالیم امام رضا^(ع) در خصوص آداب مهمانی و میزبانی و تأسی از آن حضرت در این بخش از زندگی اجتماعی، برخی از آداب و سنت‌های مهمانی و الگوهای رفتاری آن حضرت را در این باره به نمایش بگذارد.

کلید واژگان:

امام رضا^(ع)، آموزه‌های اسلامی، سیره و تعالیم رضوی، مهمانی و میزبانی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۵/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۳/۰۶

vatandoust.r@gmail.com

*. مدرس دانشگاه و پژوهشگر بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی

❖ مقدمه

از جمله آدابی که از آغاز شکل‌گیری جامعه در میان بشر، مطرح بوده و هست، مسئله مهمانی و مهمانداری است که تاکنون به صورت‌های مختلف تداوم یافته است، این از آن‌روست که انسان، موجودی اجتماعی است و تا زمانی که این ویژگی را دارد، از رفت و آمدها در قالب مهمانی استقبال می‌کند.

هرچند ممکن است، آداب مهمانی در هر جامعه‌ای بر حسب رسم و سنت‌های حاکم بر آن جامعه، با دیگر جوامع متفاوت باشد، اما آنچه در طول تاریخ بشر، غیرقابل انکار بوده و با زندگی اجتماعی بشر عجین شده، این است که هر جامعه و ملتی و پیروان هر مکتبی، برای مهمان خود احترامی ویژه قائل بوده و هستند. شریعت اسلام نیز که همواره در اندیشه اصلاح رفتارهای اجتماعی پیروان خود است، برای این بخش از زندگی، راهکارهایی ویژه ارائه داده است. پیامبر اکرم (ص) در اشاره به بخشی از آداب مهمانی و اینکه چه کسی را مهمان کنید و به مهمانی چه کسی بروید، در سخنی خطاب به جناب ابذر فرمودند:

یا ابا ذر! لاتصاحب إلا مؤمنا ولا یأکل طعامک إلا تقی و لاتأکل طعام الفاسقین.
یا اباذر! أطمع طعامک من تُحِبُّه فی الله و کُل طعام من یُحِبُّک فی الله؛ ای اباذر! جز با انسان مؤمن مصاحبت نکنید، جز شخص پرهیزگار غذای شما را نخورد [او او را مهمان نکنید] و خود شما هم غذای افراد فاسق را نخورید. [و مهمانی او را نپذیرید].
ای اباذر! کسی را با طعام دادن مهمان کن که او را در راه خدا دوست داری و بر کسی مهمان شو و غذا/بیش را بخور که تو را در راه خدا دوست دارد (حرعاملی، ۴۰۳: ۱۶: ۴۳۰).

امام رضا^(ع) در مکتب ناب اسلامی طوری پرورش یافته بودند که هم، آداب بایسته مهمانی در جامعه اسلامی را گوشزد می‌کردند و هم، خود بهتر از دیگران، به رعایت آنها اهتمام می‌ورزیدند. آنچه در لابه‌لای احادیث و در زندگی آن حضرت می‌خوانیم، نمونه‌ای از این آداب است که هنگام پذیرش مهمان تجلی یافته است. در این باره، نکات و آدابی بایسته در

رفتار و گفتار آن حضرت وجود دارد که در این نوشته، به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود، اما پیش از آن، نیازمند نکاتی است که در آغاز ناگزیر از بررسی اجمالی آن هستیم.

ارزش معنوی مهمانی و پذیرایی

از جمله مکارم اخلاق و فضیلت‌های دینی در روابط اجتماعی، دعوت مهمان و پذیرایی از دیگران است. قرآن کریم، هم بر اطعام نیازمندان تأکید کرده است و کسانی را که در این باره ایثار می‌کنند ستوده و فرموده: «و يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا؛ به پاس دوستی خدا، به بینوا، یتیم و اسیر خوراک می‌دادند» (دهر/۸) و هم، کسانی را که در اطعام به دیگران کوتاهی کردند، نکوهش کرده و حتی کوتاهی در این باره را یکی از عوامل سقوط به دوزخ دانسته است، لذا می‌فرماید: آنگاه که از دوزخیان می‌پرسند: «مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ؟» قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ * وَلَمْ نَكُ نُطْعِمِ الْمِسْكِينَ؛ چه چیز شما را گرفتار دوزخ کرده است؟ * آنها پاسخ می‌دهند ما نه از نمازگزاران بودیم * و نه به بینوایان طعام می‌دادیم» (مدثر/۴۴ - ۴۲).

افزون بر آیات قرآن، در این باره روایت‌های بسیاری رسیده است که بر ستایش مهمان‌پذیری دلالت دارند، در این مجال به ذکر چند مورد بسنده می‌شود:

۱. رسول خدا^(ص) تکریم مهمان را ملازم با ایمان به خدا دانسته و می‌فرماید: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمْ ضَيْفَهُ؛ هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، باید مهمانش را گرامی دارد» (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۲: ۶۶۷).

۲. امام صادق^(ع) در ستایش از مهمانی و اطعام دیگران، ثواب آن را بی حساب دانسته و می‌فرماید:

مَنْ أَطْعَمَ مُسْلِمًا حَتَّى يَشْبِعَهُ لَمْ يَدِرْ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ مَا لَهُ مِنَ الْأَجْرِ فِي الْآخِرَةِ،
لَا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ إِلَّا اللَّهُ رَبَّ الْعَالَمِينَ؛ هر کس به فردی مسلمان طعام دهد
و او را سیر کند، هیچ‌یک از آفریده‌های خدا نمی‌داند، در آخرت برای او چه اندازه

پاداش منظور خواهد شد، نه فرشته مَّقْرَب می‌داند و نه پیامبر مرسل، جز پروردگار
عالمیان (برقی، ۱۲۷۰ش، ج ۲: ۳۸۹).

۳. آن حضرت در جای دیگر فرمودند: «الْمَكَارِمُ عَشْرٌ، فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَكُونَ فِيكَ فَلْتَكُنْ، أَحَدُهَا وَإِقْرَاءُ الضَّيْفِ؛ مَكَارِمُ اخْتِلاقٍ ۱۰ تَأْتِ، إِنْ كُنْتَ تَوَانِي أَنْهَا رَأَيْتَهُ بَاشَ، يَكُونُ مِنْهَا تَكْرِيمُ مَهْمَانٍ اسْتِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲: ۴۵۸).

۴. پیامبر اکرم (ص) در باره اینکه نپذیرفتن مهمان امری ناپسند بوده و پیامدهای بدی دارد، فرمودند: «كُلُّ بَيْتٍ لَا يَدْخُلُ فِيهِ الضَّيْفُ لَا يَدْخُلُهُ الْمَلَائِكَةُ؛ هَرَّ خَانِهَائِهِ كَيْ مَهْمَانٍ وَارَدَ أَنْ نَشُودَ، فَرَشْتَهَائِهِ وَارَدَ أَنْ خَانِهَائِهِ نَمِي شُونَد» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۶: ۲۵۸).

۵. هرچند مهمانی رفتن و خوردن غذا امری لذت‌بخش است و همگان از آن خوششان می‌آید، اما برای کریمان بلندهمت، اطعام و مهمانی دادن، لذتی بیش از طعام خوردن دارد و با پذیرایی از دیگران، حظّ روحی مضاعف می‌برند. چه زیباست این سخن امیرمؤمنان علی (ع) که فرمودند: «قُوْتُ الْأَجْسَادِ الطَّعَامُ، وَ قُوْتُ الْأَرْوَاحِ الْإِطْعَامُ؛ غِذَاءُ جِسْمٍ، خَوْرْدَنُ غِذَائِ اسْتِ وَ لِي غِذَاءُ رُوحٍ، اطْعَامُ وَ غِذَاءُ دَادَنِ اسْتِ» (قطب‌راوندی، ۱۴۰۷ق: ۱۴۲۹).

۶. این را نیز بیفزاییم که نه تنها در اسلام، مهمانی اهمیت دارد که مهمان نیز از موقعیت و احترامی ویژه‌ای برخوردار است تا آنجا که به‌عنوان هدیه آسمانی تلقی شده است، چنان‌که رسول خدا (ص) می‌فرمایند:

إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ خَيْرًا أَهَدَىٰ إِلَيْهِمْ هَدِيَّةً، قَالُوا: وَ مَا تِلْكَ الْهَدِيَّةُ؟ قَالَ: الضَّيْفُ، يَنْزِلُ بِرِزْقِهِ وَ يَرْتَحِلُ بِذُنُوبِ أَهْلِ الْبَيْتِ؛ هِنْكَامِي كَيْ خَدَائُونَدِ ارَادَه كَنَدِ نَسَبَتِ بَه جَمْعِيَّتِي نِيَكِي نَمَائِدِ بَرَاءِ أَنْهَا هَدِيَه مِي فَرَسْتَدِ، پَرَسِيدَنَدِ: أَنْ هَدِيَه چِيَسْتِ؟ فَرَمُودَ: مِي مِهْمَانِ اسْتِ كَيْ رُوْزِيْشِ رَا بَا خَوْدِ وَارَدِ مِي آوَرَدِ وَ كَنَّاها نِ اَهْلِ خَانِه رَا بَا خَوْدِ مِي بَرَدِ (بیاتی، ۱۴۱۸ق: ۱۲).

امیر معزی، مضمون این حدیث شریف را به شعری زیبا تبدیل کرده، می‌گوید:

رزق ما با پای مهمان می‌رسد در خوان ما

میزبان ما است هر کس می‌شود مهمان ما

پیشینه

از همان روزی که انسان پا به عرصه زندگی اجتماعی گذاشت، آداب و سنی ویژه بر زندگی او حاکم و با گذشت زمان، کامل و کامل تر شد، در نهایت از آن رو که طبع و سلیقه انسان به دلیل تفاوت فرهنگها و تأثیر آب و خاک، متعدد و متفاوت است، آداب و روشهای متفاوت و متمایزی نیز در جوامع بشری پدید آمد. با وجود تحول چشمگیر در زندگی بشر، همچنان شاهد تفاوتها و تمایزها در آداب و سنن اجتماعی بشر بوده و هستیم.

یکی از این آداب که از همان آغاز شکل گیری جامعه در میان بشر، مطرح بوده و هست، مسئله مهمانی و مهمان داری است که تاکنون به صورت های مختلف تداوم یافته است، چراکه مهمانی لازمه زندگی اجتماعی است و تا زمانی که بشر از این نوع زندگی برخوردار باشد، از رفت و آمدها در قالب مهمانی استقبال می کند. تاریخ بشر و زندگی پیشینیان تأییدی بر این واقعیت است.

قرآن که کتاب زندگی است و روش بهتر زیستن را برای بشر به ارمغان آورده است، در اشاره به پیشینه مهمانی در زندگی گذشتگان به ویژه پیامبران الهی، گوشه ای از این خصلت اجتماعی را به تصویر کشیده است، چراکه بهترین و مؤثرترین راه برای آموزش بشر، یادآوری تجربه های پیشینیان است. به تصویر کشیدن جریان فرشتگانی که بر حضرت ابراهیم خلیل^(ع)، مهمان شدند (ذاریات/۲۸-۲۴) و نیز ارائه گزارشی از جریان مهمانان حضرت لوط^(ع) (حجر/۷۱-۶۸) از جمله این موارد است.

یکی از کتاب های قدیمی که در خصوص آداب مهمانی گفتگو کرده، کتاب برگزیده قابوس نامه، اثر کیکاووس بن اسکندر (۱۳۷۹ش) است که در باب دوازدهم به این موضوع می پردازد.

یکی دیگر از کتاب های باارزشی که درباره مهمانی نگاشته شده و پیشینه این خصیصه اجتماعی را بیان می کند، کتاب گران سنگ مهمان نامه بخارا است که توسط فضل الله بن روزبهان خنجی نوشته شده و پا به عرصه وجود گذاشته است.

این کتاب از آثار ارزندهٔ اوایل سدهٔ دهم هجری بوده که در بخارا و هرات نگارش یافته و شامل وقایع تاریخی دوران محمدخان شیبانی و برخی مباحث فقهی و کلامی است.

عوامل و پیش‌زمینه‌های مهمانی

مهمانی، پیش‌زمینه‌هایی دارد که در صورت برخورداری انسان‌ها از آنها، هم مهمان می‌پذیرند و هم به مهمانی رفتن رضایت می‌دهند. با استفاده از آموزه‌های امام رضا^(ع) برخی موارد یادآوری می‌شود.

۱. سخاوت

واژهٔ سخاوت از ریشهٔ سَخَا گرفته شده است، وقتی عرب می‌گوید: «سَخَا النَّارَ» منظور این است که خاکستر آتش را از آتش پاک کنند تا بهتر از قبل بسوزد و بیشتر از پیش نور و حرارت بدهد (جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ۲۳۷۳).

همان‌طور که با جدا کردن خاکستر از آتش، بهتر از پیش اطراف خود را روشن کرده و خانه را گرم می‌کند، سخاوت نیز فضای خانواده و زندگی فامیلی و اجتماعی را گرم‌تر نگه می‌دارد، زیرا سخاوت به محبت و دوستی می‌انجامد، بدیهی است که در هر جا محبت باشد، صفا و صمیمیت نیز خواهد بود: «السَّخَاءُ يَكْسِبُ الْمَحَبَّةَ وَ يُزَيِّنُ الاخْلَاقَ؛ سخاوت موجب جلب محبت افراد شده و اخلاق انسان‌ها را می‌آراید و زینت می‌دهد» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶ش: ۵۰).

از آن‌رو که جود و سخاوت در استوارسازی زندگی خانوادگی نقشی بسزا دارد، شریعت اسلام، بر آن تأکید بسیار کرده است؛ امام رضا^(ع) فرمودند: «السَّخِيُّ قَرِيبٌ مِنَ اللَّهِ، قَرِيبٌ مِنَ النَّاسِ، قَرِيبٌ مِنَ الْجَنَّةِ؛ انسان سخاوتمند، به خدا، به مردم و به بهشت نزدیک است» (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۱۵).

آن حضرت در اشاره به این مطلب که سخاوت پیش‌زمینه‌ای اساسی برای مهمانی دادن است فرمودند: «السَّخِيُّ يَأْكُلُ مِنْ طَعَامِ النَّاسِ لِيَأْكُلُوا مِنْ طَعَامِهِ وَ الْبَخِيلُ لَا يَأْكُلُ مِنْ طَعَامِ النَّاسِ لِئَلَّا يَأْكُلُوا مِنْ طَعَامِهِ؛ انسان سخی، از غذای دیگران می‌خورد تا آنان نیز از غذای او بخورند، ولی شخص

بخیل، از غذای دیگران نمی خورد تا دیگران از غذای او نخورند» (حرعاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶: ۴۲۷).

۲. برخورداری از روحیه اجتماعی

هرچند در اسلام، مهمانی امری بزرگ است و فضیلت‌های زیادی دارد، اما برخی انسان‌ها به دلیل برخورداری از نوعی روحیه خلوت‌گزینی و انزواطلبی، نه به مهمانی می‌روند و نه مهمان می‌پذیرند، لازمه مهمانی، با هم بودن است و این با روحیه انسان‌های انزواطلب ناسازگار است. این درحالی است که پیامبر رحمت (ص)، انس و الفت را یکی از ویژگی‌های پیروان خود دانسته، می‌فرماید: «المؤمن يألف و يؤلف و لاخیر فیمن لا یألف و لا یؤلف؛ مؤمن کسی است که الفت می‌گیرد و می‌پذیرد و در کسی که نه الفت می‌گیرد و نه می‌پذیرد خیری نیست» (متقی هندی، ۱۴۰۵ق، ج ۱: ۱۴۲).

این سخن امام صادق (ع) در راستای همین وظیفه اجتماعی انسان‌هاست که فرمودند: «لابد لکم من الناس أن احدا لا یستغنی عن الناس حیاته و الناس لابد لبعضهم من بعض؛ نیاز شما به مردم امری اجتناب‌ناپذیر است، چراکه هیچ‌کس زندگی‌اش بی‌نیاز از دیگران نیست و همه مردم وابسته به یکدیگر هستند» (حرعاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۱: ۳۹۹).

امام رضا (ع) نیز که در مکتب اجدادش حضرت محمد (ص) و امام صادق (ع) رشد یافته و فرهنگ اسلاف خویش را به ارث برده است، با اشاره به ضرورت زیستن اجتماعی انسان، در توصیه‌هایی کارآمد که به نهادینه شدن این ویژگی در میان انسان‌ها می‌انجامد فرمودند: «تزاوَرُوا تحابوا و تصافحوا و لا تحاشموا؛ به دیدن یکدیگر روید تا یکدیگر را دوست داشته باشید، دست یکدیگر را بفشارید و نسبت به یکدیگر خشم نگیرید» (صدوق، ۱۴۰۶ق: ۳۳۸).

آن حضرت در جای دیگر در نکوهش کسانی که عزلت‌گزیده، کمک خویش را از دیگران دریغ داشته و به تنهاخوری خو گرفته‌اند، خطاب به علی بن شعیب فرمودند: «یا علی! إنَّ سرَّ النَّاسِ مَنْ مَنَعَ رِفْدَهُ و أکل وحده؛ ای علی! بدترین مردم کسی است که یاریش را از مردم

❖ بازدارد و تنها بخورد» (شریف‌قرشی، ۱۳۷۲ش، ج ۲: ۷۲).

از این‌گونه احادیث و آموزه‌های اسلامی می‌توان این پیام را برداشت کرد که آن دست از انسان‌هایی که روحیه انزواطلبی دارند، لازم است در رفتار خود تجدیدنظر کرده و گرایش به اجتماع را در خود تقویت کنند، زیرا تنها در اجتماع است که شخصیت اجتماعی انسان شکل گرفته و روحیه تعاون و نوع‌دوستی پرورش می‌یابد.

حفظ شأن در مهمانی

حفظ شأن در هزینه‌های جاری زندگی، امری مهم است که در مکتب اسلام به آن توجهی خاص شده است، زیرا شأن که به معنای بهره‌گیری از امکانات موجود و هزینه کردن متناسب با شرایط و موقعیت خود بوده چیزی است که به حفظ آبروی انسان می‌انجامد که به‌نوبه خود یک ضرورت است.

اینکه دیده می‌شود پیشوایان معصوم از یک‌سو، برخی از افراد را به‌دلیل بسنده کردن به حد ضرورت نکوهش می‌کنند و از دیگر سو، برخی را به‌دلیل اسراف و افراط در هزینه‌های جاری منع می‌کنند، دلیل بر ضرورت حفظ شأن در هزینه‌های جاری است.

روایت‌هایی که بر وسیع بودن منزل مسکونی (سیوطی، ۱۴۰۱ق، ج ۱: ۵۸۲)، داشتن لباس‌های متعدد و متنوع (طبرسی، ۱۳۹۲ق: ۹۸)، راهوار بودن مرکب (ابن‌بابویه، ۱۴۰۳ق: ۱۸۳)، گشاده‌دستی و پرهیز از سخت‌گیری بر زن و فرزند (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۴: ۱۱) و مانند آن دلالت دارند، همه و همه از جمله دستورهای هستند که بسنده کردن به حداقل را امری ناروا می‌دانند.

شخصی از امام صادق^(ع) پرسید: «هر گاه مردی ثروتمند، جامه‌هایی فراوان و ردهایی سبز و زیبا داشته باشد تا خود را بیاراید، آیا فردی اسراف‌کار به‌شمار می‌آید یا نه؟» فرمودند: «خیر» (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۶: ۴۴۳)، زیرا خداوند می‌فرماید: «لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ؛ بر توانگر است که از دارایی خود هزینه کند» (طلاق/۷).

پیشوایان ما نه‌تنها بسنده کردن به حداقل را برای دیگران ناروا می‌دانستند که خود نیز

آداب مهمانی و میزبانی در سیره و ... ❖ ۶۷

❖ سال دوم، شماره ششم، تابستان ۱۳۹۳

بسته به شرایط زمان، زندگی و در حد مطلوب از امکانات استفاده می‌کردند، امام رضا^(ع) در اشاره به همین نکته فرمودند: «برخی دوستان من مایلند که من روی نمد بنشینم و لباس خشن بپوشم، در حالی که شرایط زمان، چنین چیزی را بر نمی‌تابد» (عطاردی، ۱۴۰۶ق، ج ۱: ۳۰۴).

آراستگی، ادب مهمانی

آراستگی و خودآرایی امری پسندیده است که هم مهمان و هم میزبان باید آن را رعایت کنند، امام رضا^(ع) در تشویق به رعایت آراستگی در اجتماع، از یک‌سو، تمیزی و آراستگی را از اخلاق پیامبران دانسته‌اند: «من أخلاق الأنبياء التتطف؛ نظافت و تمیزی از اخلاق پیامبران است» (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۵: ۵۶۷) و از سوی دیگر در ابراز ناخرسندی و اشاره به زشتی پلشتی فرمودند: «إن الله تبارک و تعالی يحب الجمال و النجمل و يُغض البؤس و التباؤس؛ خداوند بزرگ، زیبایی و آراستگی را دوست دارد و فقر و فقرنمایی را دشمن دارد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۹: ۳۰۳).
نه تنها امام رضا^(ع) آراستگی را به دیگران توصیه می‌کردند که خود نیز در این باره سرآمد بودند، چنان‌که در سیره عملی آن حضرت می‌خوانیم: «إذا برز للناس تزین لهم؛ در آن هنگام که به میان مردم می‌رفت، خود را برای آنان می‌آراست» (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۱: ۱۹۲).

این را نیز بیفزاییم، از آن‌رو که در مناسبت‌ها و اعیاد مذهبی، رفت و آمدها و مهمانی فزونی می‌یابد، در این مناسبت‌ها، به آراستگی و خودآرایی توصیه و تأکید بیشتری شده است. این فراز از سخنان امام رضا^(ع) نمونه‌ای از این توصیه‌هاست که در خصوص آراستگی در روز عید غدیر فرمودند: «... فَمَنْ تَزَّيَّنَ لِيَوْمِ الْغَدِيرِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ؛ ... هر که خود را برای روز غدیر زینت کند، خداوند او را می‌بخشد» (ابن طاووس، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۲۶۲).

۱. استعمال بوی خوش

به دلیل اهمیت استفاده از بوی خوش در اجتماع، امام رضا^(ع) آن را از اخلاق پیامبران دانسته، می‌فرماید: «الطيب من أخلاق الأنبياء؛ استعمال بوی خوش از اخلاق پیامبران است» (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۶: ۵۱۰).

آن حضرت در ضرورت استفاده از بوی خوش فرمودند:

لا ینبغی للرجل أن یدع الطیب فی کلّ یوم، فإن لم یقدر علیه فیومٍ و یومٍ لا، فإن لم یقدر
ففی کلّ جمعةٍ و لا یدع ذلک؛ شایسته نیست مرد، بوی خوش را در هر روز ترک
کند، پس اگر توان این کار را نداشت، [حداقل] یک روز در میان انجام دهد و اگر
نتوانست، در هر جمعه انجام دهد و آن را ترک نکند (همان).

۲. زدودن بوی نامطبوع از بدن

همان‌طور که شریعت اسلام، به استعمال بوی خوش توصیه کرده، به زدودن بوی نامطبوع
مانند بوی دهان نیز توصیه کرده است، زیرا بهداشت دهان و دندان، پیش از آنکه امری اسلامی
باشد، امری حیاتی و انسانی بوده که لازم است در طول حیات آدمی رعایت شود. امام رضا^(ع)
که تربیت یافته مکتب اسلام است، در خصوص بهداشت دهان و دندان، رفتار و رهنمودهایی
شنیدنی دارند، از جمله آنکه به نقل از پیامبر اکرم^(ص) فرمودند: «أفواھکم طُرقٌ من طُرقِ ربکم
فَنظّفوها؛ دهان‌های شما راه‌هایی از راه‌های پروردگارتان است، پس آنرا پاکیزه کنید» (مجلسی،
۱۴۰۳ق، ج ۷۳: ۱۳۰).

آن حضرت در اشاره به برخی فواید مسواک زدن فرمودند: «السَّوَاکُ یَجْلُو البصرَ و ینبِتُ
الشَّعرَ و یدھبُ بالدمعة؛ مسواک زدن، نور چشم را زیاد می‌کند، مو را می‌رویاند و آبریزش
چشم را از بین می‌برد» (طبرسی، ۱۳۹۲ق: ۵۰).

جالب این است که امام رضا^(ع) هر شب و هر روز صبح مسواک می‌زدند و بعد از آن،
دهان خود را با جویدن «کندر» خوشبو می‌ساختند (عطاردی، ۱۴۰۶، ج ۱: ۳۹۹).
از روش‌های دیگری که امام رضا^(ع) برای خوشبو ساختن دهان به کار می‌گرفتند این بود
که پس از صرف غذا با آبی که در آن «اشنان»^۱ ریخته بودند، دهان خود را خوشبو می‌ساختند
(حرعاملی، ۱۴۰۳، ج ۱۶: ۵۳۷).

۱. بوته‌ای است دارای شاخه‌های باریک و ساقه‌ای نسبتاً ضخیم، طعم آن شور و از خاکستر آن شخار به دست می‌آید، آن را در
فارسی، آذربو یا آذربویه می‌گویند (فرهنگ عمید).

شرط مهمانی، هماهنگی با خانواده

ناگفته روشن است که مهمانی دادن در دسرهای مخصوص به خود دارد که به تنهایی نمی‌توان از عهده میزبانی و پذیرایی آبرومند برآمد، بلکه لازم است اعضای خانواده دست به دست هم داده و به کمک یکدیگر، مهمانی آبرومندی ترتیب دهند، از این رو لازم است پیش از دعوت از دوستان و ترتیب مهمانی، با همسر، فرزندان و دیگر افراد دخیل در مهمانی مشورت و هماهنگی‌های لازم به عمل آید تا هم مهمانی به صورت آبرومندانه به عمل آید و مهمانان از آن خاطره‌ای خوش داشته باشند و هم پس از مهمانی اختلاف و کدورتی پیش نیاید و خاطره‌ای تلخ به جا نماند.

امام رضا^(ع) درباره اینکه نباید مردها برای جلب رضایت دیگران، خانواده خود را به زحمت اندازند، به نقل از جد بزرگوارشان امام علی^(ع) می‌فرمایند:

آنه دعاه رجل، فقال له: قد أجبتك على أن تضمن لي ثلاث خصال. قال: وما هي يا أمير المؤمنين؟ قال: لا تدخل علي شيئاً من خارج ولا تدخر عني شيئاً في البيت ولا تجحف بالعيال؛ مردی، آن حضرت را به مهمانی دعوت کرد، حضرت فرمودند: دعوت شما را می‌پذیرم مشروط بر اینکه قول بدهی سه چیز انجام دهی. او گفت: آنها کدامند؟ فرمودند: ۱. برای پذیرایی از من چیزی از بیرون تهیه نشود [و آنچه در منزل باشد روی سفره آورده شود]؛ ۲. آنچه در خانه داری از من دریغ نوری؛ ۳. به زن و فرزندان اجحاف نکنی [و آنان را برای پذیرایی از من به زحمت نیندازی] (صندوق، ۴۰۴ اقی، ج ۱: ۴۵).

فراهم آوردن وسیله رفت و برگشت

چیکی از آداب پذیرش مهمان این است که بسته به موقعیت و حال مهمان، برای رفت و آمد او وسیله فراهم شود، در خبر احمد بن ابی نصر بن زنی چنین آمده که می‌گوید: *آنگاه که امام رضا^(ع) مرا به منزل خود دعوت کردند، برای من مرکبی فرستادند و بر آن سوار شده و به خدمت آن حضرت شرفیاب شدم. در هنگام بازگشت،*

چون پاسی از شب گذشته و دیر شده بود، امام فرمودند: اکنون دیر شده اگر مشکلی نیست، امشب نزد ما بمانید و فردا صبح تشریف ببرید، پیشنهاد امام^(ع) را پذیرفته و آن شب در منزل ایشان ماندم، آن حضرت در هنگام خواب دستور دادند تا رختخوابی مخصوص برای من بگسترانند و ملافه‌ای مخصوص روی من بکشند (همان، ج ۲: ۲۱۲).

تأمین نیازمندی‌ها

از دیگر اموری که باید میزبان همواره نسبت به مهمان رعایت کند تأمین نیازمندی‌های معقول مهمان است، هرچند که چیزی کوچک مانند چوب خلال باشد: «مِنْ حَقِّ الضَّيْفِ أَنْ يُعَدَّ لَهُ الْخَالَالُ؛ از جمله حق مهمان این است که چوب خلال برای او فراهم آید» (همان، ج ۳: ۳۵۷). در این باره ابوهاشم جعفری به نقل از امام رضا^(ع) می‌گوید: «روزی نزد امام رضا^(ع) بسیار تشنه بودم، هیبت آن حضرت مانع شد که در حضور او آب طلب کنم، خود آن حضرت آب طلبیدند، جرعه‌ای از آن نوشیدند و سپس فرمودند: ای ابوهاشم! آبی گواراست، بگیر و بنوش که تشنگی‌ات را برطرف می‌کند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۸: ۴۹-۴۸).

نداشتن توقع کار از مهمان

مطلب دیگری که در ادامه تکریم مهمان شایسته یادآوری است، عدم توقع کار از مهمان در منزل میزبان است. در این باره راوی به نقل از امام رضا^(ع) می‌گوید:

نزل بآبی الحسن الرضا^(ع) ضیف و كان جالسا عنده يُحَدِّثُهُ فَمَدَّ الرَّجُلُ يَدَهُ يُصَلِّحُهُ فزبره أبو الحسن^(ع) ثم بادره بنفسه فأصلحه ثم قال له: إنا قوم لا نستخدم أضيافنا؛ مهمانی بر امام رضا^(ع) وارد شد و تا پاسی از شب در نزد آن حضرت نشسته بود و سخن می‌گفت که ناگهان نظم چراغ به هم خورد، همین‌که مهمان برای اصلاح چراغ دست بالا زد، امام او را از این کار بازداشتند و خود به اصلاح آن مبادرت کردند و سپس فرمودند: ما خاندان، قومی هستیم که هرگز مهمان خویش را به کاری و انمی‌داریم (طباطبایی، ۱۴۱۹ق: ۱۳۰).

بدرقه مهمان

از آن رو که شریعت اسلام، مهمانی را امری مهم می‌داند و برای مهمان شأن و منزلتی ویژه قائل است، در حفظ منزلت او چه در هنگام ورود و چه در زمان خداحافظی دستورهای حساب شده داده است که با روان انسان در حالت‌های متفاوت تطابق دارد، از جمله این دستورها، دستور به بدرقه اوست که لازم است در هنگام خداحافظی مهمان صورت بگیرد. این سنت رسول خدا (ص) است که فرمودند: «إِنْ مِنْ سُنَّةِ الضَّيْفِ أَنْ يُشَيَّعَ إِلَى بَابِ الدَّارِ؛ از آداب مهمانی آن است که مهمان تا دم در بدرقه شود» (نراقی، بی تا، ج ۲: ۱۱۹).

امام رضا (ع) در اشاره به این ادب از آداب مهمان‌داری، به نقل از رسول خدا (ص) فرمودند: «مِنْ حَقِّ الضَّيْفِ أَنْ تَمْشِيَ مَعَهُ فَتُخْرِجَهُ مِنْ حَرِيمِكِ إِلَى الْبَابِ؛ از حقوق مهمان آن است که در هنگام رفتن، او را بدرقه کرده و برای رفتن از حریم خودت او را تا دم در راهنمایی کنی» (نمازی‌شاهرودی، ۱۴۱۹ق، ج ۶: ۴۸۶).

تشکر و قدردانی

نکته‌ای که در پایان مقاله جای تذکر دارد، ضرورت تشکر و قدردانی از میزبان است که به خاطر مهمان، خود را هم به زحمت انداخته و هم هزینه کرده است. امام رضا (ع) درباره این ضرورت فرمودند: «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمُنْعَمَ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ؛ هر کس از تشکر برای مخلوقی که به او نعمتی رسانده است دریغ ورزد، در حقیقت از سپاسگزاری برای خداوند متعال دریغ ورزیده است» (حائری، ۱۳۸۵، ج ۲: ۳۷۲).

نتیجه‌گیری

یکی از لازمه‌های زندگی اجتماعی انسان، مهمانی و مهمان‌داری است که در هر جامعه‌ای بر حسب آداب و سنت‌های محلی و فرهنگ حاکم بر آن جامعه، با تفاوت‌هایی صورت گرفته و می‌گیرد. بدیهی است که این موضوع مانند هر کارکرد دیگری، آداب و سنن مخصوص به خود دارد.

❖ سال دوم، شماره ششم، تابستان ۱۳۹۳

این مقاله که در صدد بررسی مهمانی و مهمان‌داری در سیره و تعالیم رضوی بود، با مراجعه به آموزه‌های امام رضا(ع)، توانست بخشی از آداب و سنت‌های این موضوع اجتماعی را که در سیره و سخنان آن حضرت تجلی یافته به نمایش بگذارد. ضرورت هماهنگی با خانواده، تأمین نیازمندی‌های معقول مهمان، نداشتن توقع کار از مهمان، بدرقه مهمان از سوی میزبان و نیز ضرورت ابراز تشکر مهمان از میزبان، از جمله این آداب است که بعد از نگاهی گذرا به ارزش معنوی مهمانی در اسلام، ضرورت حفظ شأن و آراستگی در مهمانی مورد کنکاش قرار گرفت.

منابع و مأخذ

قرآن كريم

- ابن طاووس، (١٤١٥ق). **اقبال الاعمال**. تهران: مكتب الاعلام الاسلامى.
- برقى، احمدبن محمدبن خالد، (٢٧٠ش). **المحاسن**. تهران: دارالكتب الاسلاميه.
- بياتى، جعفر، (١٤١٨ق). **ادب الضيافة**. قم: جامعه مدرسين.
- جوهرى، اسماعيل بن حماد، (١٤٠٧ق). **الصحيح**. بيروت: دارالعلم.
- حاترى، محمدمهدي، (٣٨٥ق). **شجرة طوبى**. نجف اشرف: الحيدريه.
- حراملى، محمدبن حسن، (٤٠٣ق). **وسائل الشيعه**. بيروت: دار احياء التراث العربى.
- سيوطى، جلال الدين، (١٤٠١ق). **الجامع الصغير**. بيروت: دارالفكر.
- شريف قرشى، باقر، (١٣٧٢ش). **حياة الامام الرضا**. قم: سعيدبن جبر.
- صدوق، على بن حسين، (٤٠٦ق). **فقه الرضا**. مشهد: كنز جهاى امام رضا^(٤).
- صدوق، محمدبن على، (١٤٠٤ق). **عيون اخبار الرضا**. بيروت: مؤسسة اعلمى.
- صدوق، محمدبن على، (١٤٠٤ق). **من لا يحضره الفقيه**. قم: جامعه مدرسين.

- صدوق، محمدبن علی، (بی تا). **الخصال**. قم: جامعه مدرسین.
- طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۴۱۹ق). **سنن النبی**. قم: جامعه مدرسین.
- طبرسی، حسن بن فضل، (۱۳۹۲ش). **مکارم الأخلاق**. نجف: شریف رضی.
- طبرسی، حسن بن فضل، (۱۳۹۲ق). **مکارم الاخلاق**. چاپ ششم، نجف: شریف رضی.
- عطاردی، عزیزالله، (۱۴۰۶ق). **مسند الامام الرضا**. مشهد: کنگره جهانی امام رضا^(ع).
- عنصرالمعالی، کیکاووس بن اسکندر، (۱۳۷۹ش). **برگزیده قابوس نامه**. به کوشش غلامحسین یوسفی، چاپ دوم، تهران: علمی و فرهنگی.
- قطب راوندی، سعید بن هبة الله، (۱۴۰۷ق). **الدعوات**. قم: مدرسه امام علی^(ع).
- کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۴۰۱ق). **الکافی**. بیروت: دارالتعارف.
- لیثی واسطی، علی بن محمد، (۱۳۷۶ش). **عیون الحکم و المواعظ**. قم: دارالحديث.
- متقی هندی، علی، (۱۴۰۵ق). **کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال**. بیروت: الرساله.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق). **بحار الانوار**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نراقی، محمد مهدی، (بی تا). **جامع السعادات**. نجف: دار النعمان.
- نمازی شاهرودی، علی، (۱۴۱۹ق). **مستدرک سفینه البحار**. قم: جامعه مدرسین.
- نوری، حسین، (۱۴۰۸ق). **مستدرک الوسائل**. بیروت: آل البیت.